

سبک‌شناسی لایه‌ای غزلیات سلمان ساوجی

(لایه‌های نحوی و واژگانی)

Stylistics of the Layers of Salman Savoji's Lyric Poems (Syntactic and Lexical Layers)

Hadis Ahmadi⁻
Mahin Panahi⁻
Sepideh Yeganeh⁻

حدیث احمدی⁻
مهین پناهی⁻
سپیده یگانه⁻

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴

Abstract

Layered stylistics is a contemporary style of stylistics that examines and analyzes works in an interpolated manner based on the layers of the constructor. By utilizing layer stylistics, we can achieve the characteristics of individual style, ideas, and ideology governing the text. The main question of the research is how to study the lightness of the effects using layered stylistics. Accordingly, Salman Savoji's sonnets were examined in syntactic and lexical layers with a statistical-analytic approach. The individual style of Salman Savoji in the lexical layer is the frequency of the sensuous, glorious and non-verbal vocabulary with structural codes. A syntactic style feature can be used to shift from the standard syntax, to emphasize the verb and complement of the verb, as its instruments, which led to the formation of a continuous and active syntactic style.

Keywords: Salman Savoji, Lyric, Layered Stylistics.

چکیده

سبک‌شناسی لایه‌ای شیوه‌ای از سبک‌شناسی معاصر است که آثار را به شیوه درون‌متنی و براساس لایه‌های به‌وجودآورنده (واژگانی، آوایی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک)، بررسی و تحلیل می‌کند. با بهره‌گیری از سبک‌شناسی لایه‌ای، می‌توان به ویژگی‌های سبک فردی، اندیشه‌ها و ایدئولوژی حاکم بر متن شاعر یا نویسنده دست یافت. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان ویژگی‌های سبکی یک اثر را با بهره‌گیری از سبک‌شناسی لایه‌ای بررسی و مشخص کرد. بر این اساس غزلیات سلمان ساوجی در لایه‌های نحوی و واژگانی با رویکردی آماری-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. پس از تحلیل و بررسی از ویژگی‌های سبک فردی سلمان ساوجی در لایه واژگانی، بسامد واژگان حسی، شکوهمند (فاخر و غیرعامیانه) با رمزگان ساختاری قابل ذکر است. از ویژگی سبکی لایه نحوی می‌توان به جابه‌جایی از نحو معیار، تأکید بر فعل و متمم فعل، به‌عنوان ادوات آن، اشاره کرد که به شکل‌گیری سبک پیوسته و فعال نحوی منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: سلمان ساوجی، غزلیات، سبک‌شناسی لایه‌ای.

- M.A. in Persian Language and Literature, al-Zahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author); ahmadi.hadis2026@gmail.com

- Professor at Department of Persian Language and Literature, al-Zahra University, Tehran, Iran; Panahi_mah@yahoo.com

- Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, al-Zahra University, Tehran, Iran; s.yegane@alzahra.ac.ir

- دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا (س) و دبیر آموزش و پرورش (نویسنده مسئول); ahmadi.hadis2026@gmail.com

- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران؛ Panahi_mah@yahoo.com

- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران؛ s.yegane@alzahra.ac.ir

۱. مقدمه

سبک‌شناسی نوین با الگوی نظری و علمی به بررسی زبان شخصی، فردیت، قدرت حاکم بر متن و مانند آن‌ها می‌پردازد؛ «سبک‌شناسی از میان گونه‌های کاربرد زبان، بیش از همه به زبان در ادبیات توجه نشان می‌دهد و بخش عمده پژوهش‌ها در این شاخه مطالعاتی، بر شناسایی سبک‌های ادبی، زبان شخصی و فردیت خلاق مؤلف متمرکز است. این تمرکز از آن روست که ادبیات مجال گسترده و شایسته‌ای برای تبلور فردیت فراهم می‌سازد؛ ادبیات در ماندگارترین صورتش قلمرو خلاقیت فردی و زمینه ظهور فردیت است» (فتوحی، ۱۳۸۸: ۲۴). در سبک‌شناسی مدرن یا لایه‌ای، یک اثر ادبی در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی می‌شود. فایده این روش آن است که بهره‌گیری از روش‌های متنوع را در هر لایه امکان‌پذیر می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸). همچنین مشخصه‌های برجسته سبک و نقش و ارزش آن‌ها را، در هر لایه به صورت مجزا مشخص می‌کند، کشف و تفسیر پیوند مشخصه‌های صوری متن با محتوای آن را آسان می‌سازد و از آشفتگی تحلیل و تداخل داده‌ها و دیدگاه‌ها جلوگیری می‌کند و در نهایت امکان کاربرد نگرگاه‌ها و روش‌های مناسب را فراهم می‌آورد (همان: ۲۲۷). هدف مطالعات سبک‌شناسی کشف و تبیین شاخصه‌ها و ویژگی‌های حاکم بر متون است، که از رهگذر تحلیل عناصر سبک‌ساز، از جمله ساختارهای زبانی و لغوی اثر، اندیشه و عواطف گوینده و کارکرد صنایع ادبی و بلاغی به تبیین سبک فردی نویسنده می‌پردازد (مقیاسی و فراهانی، ۱۳۹۳: ۴۰). در نتیجه، بهترین روش برای مطالعه سبک با هدف کشف رابطه قدرت و ایدئولوژی، روش لایه‌ای است (درپر: ۱۳۹۳: ۱۱۶).

لایه واژگانی به بررسی کوچک‌ترین واحدهای معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت

واژگان، دال‌ها و نشانه‌ها و غیره می‌پردازد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۳۸) و تحلیل لایه نحوی عبارت است از بررسی ساختمان جمله‌ها، روابط واژه‌ها باهم، شیوه ترکیب واژه‌ها در عبارت‌ها و جمله‌ها، نظم دستورمندی واژگان، تحلیل نقش معنی‌شناسیک واژه در جمله و غیره (همان: ۲۳۸). پژوهش حاضر به بررسی غزل‌های سلمان ساوجی، در لایه‌های واژگانی و نحوی می‌پردازد و بسامدهای معنادار هر لایه را تحلیل می‌کند.

۱-۱. بیان مسئله و روش تحقیق

سبک‌شناسی پدیده‌ای نوظهور و مرتبط با موضوعات و رشته‌های آکادمیک نقد ادبی و زبان‌شناسی است که به کشف تخطی از اصول و قواعد زبان معیار می‌پردازد. در تعریف سبک‌شناسی آمده است: «روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (بهار، ۱۳۷۳: ۱۸)؛ «سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و آن نیز به نوبه خویش، وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت می‌باشد» (همان). شمیسا سبک را روش مشخص بیان مطلب می‌داند، یعنی گوینده به چه نحو خاص و مشخصی مطالب خود را ایراد کرده است و جهت درک این نحوه خاص بیان، باید در انتخاب لغات، شکل جملات و اصطلاحات، صنایع ادبی، عروض و غیره گوینده دقت شود (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۲) و در نهایت، سبک‌شناسی «دانش شناسایی شیوه کاربرد زبان در سخن یک فرد، گروه یا در متن یا گروهی از متن‌ها است. بنیاد کار این دانش بر تمایز گوناگونی و گزینش زبانی در لایه‌های زبان (آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی، کاربردی) استوار است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۲).

این پژوهش، جامعه آماری صد غزل از غزلیات

آزادمنش و عبدالرضا شریفی، «بررسی ایهام تناسب و کارکردهای آن در غزل‌های سلمان ساوجی» از مسعود فروزنده و همکاران، «تحلیل تلمیحات عرفانی در دیوان سلمان ساوجی» از محمدتقی قندی و جلیل تجلیل و «از ناهمواری‌های آوایی تا هنجارهای موسیقایی در اشعار سلمان ساوجی» از حسین وثوقی و پایان‌نامه‌های «شرح معنایی چهل غزل از سلمان ساوجی» نوشته رأفت موسوی دیجوجین با راهنمایی عسگر صلاحی و مشاورهٔ خدابخش اسداللهی در دانشگاه محقق اردبیلی (۱۳۹۲)، «شرح موضوعی درون‌مایه‌های غزلیات سلمان ساوجی» نوشتهٔ رویا نظری با راهنمایی وحید مبارک در دانشگاه رازی (۱۳۹۴) و «موسیقی در غزلیات سلمان ساوجی» نوشتهٔ آمنه بیطرفان با راهنمایی مجید سرمدی و مشاورهٔ فاطمه کوپا در دانشگاه پیام نور تهران (۱۳۸۹). بر این اساس، مطالعهٔ غزلیات سلمان ساوجی از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای با تمرکز بر دو لایهٔ واژگانی و نحوی ضروری می‌نماید.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. لایهٔ واژگانی

بسیاری سبک را هنر واژه‌نویسی می‌دانند و در کار شناخت سبک‌ها بیش از هر چیز چشم بر واژگان دوخته‌اند. این نگرگاه چندان بی‌پایه نیست؛ زیرا واژه، هم شناسنامه‌دارتر از دیگر سازه‌های زبان است و هم چونان انسان، زنده و پویاست (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۹). لایهٔ واژگانی یکی از لایه‌های بنیادین در شکل‌گیری یک اثر ادبی به‌شمار می‌آید؛ زیرا واژگان نقش مهمی در شاکلهٔ سبک فردی ایفا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت تنوع سبک، بستگی به واژگان در کلام شاعر یا نویسنده دارد. «سبک محصول گزینش خاصی از واژگان و تعابیر و عبارات است. نویسندگان مختلف برای بیان یک

سلمان ساوجی را که براساس توزیع هجاهای پایانی قافیه انتخاب شده‌اند، در دو لایهٔ «واژگانی» و «نحوی» با رویکردی آماری-تحلیلی، تحلیل سبک‌شناسی می‌کند. تقسیم‌بندی مباحث مطرح‌شده، براساس عناوین کتاب سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها نوشتهٔ محمود فتوحی انجام شده‌است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

سلمان ساوجی شاعر بزرگ درباری و خاتم قصیده‌سرایان در قرن هشتم است. وی در غزلیات از جمله شاعران موفق است که ویژگی اشعار او را فصاحت گفتار، مضمون‌یابی و آمیختن افکار عاشقانه و عارفانه معرفی کرده‌اند. اقتباس بعضی از غزل‌های او با غزل‌های شاعر هم‌عصرش، حافظ، امکان‌پذیر است، زیرا گاه این دو شاعر در غزل زبان فصیح، زیبا و مضامین پرمعنایی دارند (صفا، ۱۳۶۹: ۱۰۱۳-۱۰۰۵). از آنجا که سبک‌شناسی لایه‌ای به لایه‌های زیرین متن دست می‌یابد و نوآوری، تقلید و تکرارها مشخص می‌کند. نگارندگان این پژوهش، با هدف دست‌یابی به سبک فردی و جنبه‌های گوناگون غزلیات سلمان و نیز برای جلوگیری از انتشار نظرات و نقدهای کلی و سلیقه‌ای، دو لایهٔ واژگانی و نحوی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند؛ ضمن اینکه از این طریق، امکان تعمق در آثار هم‌عصران و قیاس آن‌ها نیز فراهم می‌آید.

۳-۱. پیشینهٔ تحقیق

با نگاهی به پیشینهٔ تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که کارنامهٔ پژوهشی آثار سلمان ساوجی بر مقوله‌هایی چون معانی، بیان، محتوا و لایهٔ آوایی متمرکز بوده است. از آن جمله است:

مقاله‌های «بررسی و تحلیل انواع تشبیهات و استعارات در کلیات سلمان ساوجی» از علی

۲-۱-۲. عموم و خصوص

در این مقوله، به بررسی واژگانی غزل، از منظر عام یا خاص، و نیز اسم نوع یا اسم جنس بودن پرداخته می‌شود. اسم خاص آن است که تنها بر یک فرد معین از افراد نوع دلالت کند و اسم خاص کمتر از اسم عام وابسته می‌گیرد و جمع می‌شود (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۱۸۴). با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، در غزلیات سلمان ساوجی بسامد واژگان عام بیشتر است، در نتیجه سبک شاعر ذهنی و دایره معنایی و محور جذب مخاطب و درجه تصویری و نمایشی بودن متن آن نیز به مراتب محدود است.

عاشق سرمست را، با دین و دنیا کار نیست
کعبه صاحب‌دلان، جز خانه خمار نیست
روی زرد عاشقان، چون می‌شود گلگون بی می؟
گر خم خمار را رنگی ز لعل یار نیست
(ساوجی: ۲۵۹)

ره خرابات است و درد سال‌خورده، پیر ما
کس نمی‌داند به غیر از ما، تدبیر ما
خاک را خاصیت اکسیر اگر، زر می‌کند
ساقیا می‌ده، که ما خاکیم و می اکسیر ما
(همان: ۲۲۴)

۲-۱-۳. عامیانگی و شکوه‌مندی واژه

هر یک از دو بافت رسمی و عامیانه واژگان خاص خود را دارد. تعابیر عامیانه واژگان و تعبیرهایی است که در میان گروه‌های پایین جامعه رایج می‌شود. این بخش از زبان در موقعیت‌های رسمی پذیرفتنی نیست؛ زیرا نامأنوس، ناهموار، تند و گاه دور از ادب و گستاخانه است. در سوپه مقابل، واژگانی فاخر قرار دارند که دارای شکوه و اعتبار اجتماعی بالایی هستند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۳). واژگان مورد استفاده سلمان ساوجی در غزلیاتش دارای بافت رسمی است و بیانگر موقعیت و پایگاه اجتماعی شاعر درباری

معنای واحد تعابیر مختلف دارند و از واژگان و عبارات گوناگون استفاده می‌کنند و بدین ترتیب سبک آنان با یکدیگر اختلاف دارد (طالبیان، ۱۳۷۸: ۱۶).

در مطالعه لایه واژگانی مؤلفه‌هایی از قبیل: واژگان حسی و انتزاعی، عموم و خصوص، عامیانگی و شکوه‌مندی، کهن‌گرایی و واژه‌سازی، رمزگان، اشاره‌گر (شاخص‌های اشخاص، مکان، زمان)، نشان‌دار و بی‌نشان و دیگر مؤلفه‌های ترادف، تضاد و تکرار بررسی می‌شوند. بررسی بسامدهای به‌دست آمده، ارتباط مؤلف را با متن و مخاطب مشخص می‌کند.

۲-۱-۱. واژگان حسی و ذهنی

واژگانی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند انتزاعی‌اند و واژگانی که بر اشیای واقعی و محسوس دلالت دارند عینی و حسی‌اند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۵۱). بررسی واژگان حسی و ذهنی به شناسایی سبک حسی یا ذهنی آثار می‌انجامد. با بررسی غزلیات سلمان ساوجی، بسامد واژگان حسی بیش از انتزاعی ارزیابی می‌شود؛ بنابراین سبک واژگانی شاعر سبکی محسوس، نمایشی و با شفافیتی روشن است، تصاویر، مدلول واضح‌تری را در ذهن مخاطب می‌سازند، از این رو مخاطب با ابهام کمتری در غزلیات سلمان ساوجی روبه‌روست.

لعل را بر آفتاب حسن گویا کرده‌ای

ز آفتاب حسن خود، یک ذره را پیدا کرده‌ای
قفل یاقوت از در درج دهن بگشوده‌ای

گوهر پاکیزه خویش آشکارا کرده‌ای
(ساوجی، ۱۳۸۲: ۳۷۵)

با توجه به شواهد بالا، آشکار می‌شود اهتمام شاعر بر انتقال صریح مفاهیم و اندیشه‌های خود به ذهن مخاطب است.

واژگان شعری خود را سمت و سویی نبخشیده و مخاطب را در درک آن دچار تأمل نکرده‌است.

هر ذره که عکسی ز رخ یار ندارد

با طلعت خورشید بقا، کار ندارد

(ساوجی: ۲۷۵)

بیا که مردم چشمم سرشک گلگون را

به جستجوی تو هر سو چو آب، می‌مانم

(همان: ۳۰۳)

بر هر طرف که سروت، یک روز می‌خرامد

می‌روید از زمین تن، می‌بارد از هوا جان

(همان: ۳۵۸)

۲-۱-۵. رمزگان

رمزگان از اصطلاحات کلیدی نشانه‌شناسی است؛ هر رمزگان نظامی از دانش است که امکان تولید، دریافت و تفسیر متون را فراهم می‌کند و بیشتر بافت‌بنیاد و فرهنگ‌بنیاد است. زبان، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همه رمزگان‌های دیگر از جمله رمزگان‌های آداب، پوشاک، غذا، اطوار، اشارات، نظام‌های حرکتی و غیره به‌واسطه زبان، قابل توصیف است (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). نشانه‌شناسان طبقه‌بندی‌های متفاوتی از رمزگان‌های اجتماعی ارائه کرده‌اند؛ از جمله رمزگان کلامی، رمزگان بدنی، رمزگان کالایی، رمزگان ساختاری (سیستمی) و رمزگان فرایندی (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۰). رمزگان ساختاری مجموعه‌ای از عناصر وابسته به نظامی مشخص - نه الزاماً بسته - را به یکدیگر پیوند می‌زند و رمزگان فرایندی دست‌کم دو مورد از چنین نظامی را به هم می‌پیوندد (درپر، ۱۳۹۳: ۱۲۰). رمزگان شاخص‌های زبانی و نشان‌داری واژگان از عناصری هستند که متن را با بافت‌ها و زیرمتن‌های اجتماعی و فرهنگی پیوند می‌زند. رابطه معنادار واژگان با ایدئولوژی و قدرت را می‌توان با بررسی بسامد رمزگان‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دیگر ساختارهای اجتماعی نشان

است. تسلط واژگان رسمی بر متن، بر اثر بسامد بالای وجه اخباری (در لایه نحوی به آن پرداخته می‌شود) و سخن گفتن قاطعانه است.

دل بر سر کوی تو نهادیم به خواری

جان در غم عشق تو بدادیم به زاری

(ساوجی: ۳۸۰)

کارها دارد دل من با لب جانان هنوز

دور حسنش راست اکنون اول دوران هنوز

(همان: ۳۳۲)

۲-۱-۶. کهن‌گرایی و واژه‌سازی

هنجارگریزی واژگانی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را برجسته می‌کند؛ «بدین ترتیب که برحسب قیاس و گریز از قواعد ساخت واژه زبان هنجار، واژه‌ای جدید می‌آورد یا می‌آفریند» (صفوی، ۱۳۹۰: ۵۳). بنابراین هم کاربرد واژگان کهن و قدیمی و هم ساختن واژگانی تازه، هردو منجر به خروج از هنجار عادی زبان و نهایتاً تمایز سبکی می‌شود. واحدهای زبان (تکواژه‌ها، واژگان، عبارات و ساخت‌های نحوی) بر پیشانی خود مهر زمان دارند؛ این یعنی هویت تاریخی و تاریخ‌مندی زبان (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۴). هرگاه سخن‌گویی در سخنان خویش از واژگان قدیمی و مهجور استفاده کند، به کلام خود وجه‌ای غریب و برجسته می‌بخشد که تداوم و تکرار آن در شکل‌گیری سبک فردی و تأثیرگذاری کلام نقش بسزایی دارد (مقیاسی و فراهانی، ۱۳۹۳: ۵۶). اما با بررسی‌های صورت‌گرفته در اشعار سلمان ساوجی، واژه‌سازی یا ترکیباتی که از واژگانی تازه ساخته شده باشد، دیده نمی‌شود و شاعر از هنجار عادی زبان خارج نشده و تمایز سبکی ندارد. همچنین است کهن‌گرایی واژگانی که در اشعارش نمونه‌ای ندارد. بنابراین شاعر با زبان معیار زمان خود، به آفرینش ادبی پرداخته، در مسیر انتقال مفاهیم خود،

داد (همان: ۲۶۰). در آثار مورد بررسی، بسامد رمزگان ساختاری بیش از رمزگان فرایندی است. واژگان ساختاری حضوری آشکارتر و ملموس‌تر دارند، به واقعیت و قطعیت نزدیک‌ترند و با دیدگاه و باور شاعر تناسب دارند. رمزگان ساختاری غزلیات سلمان ساوجی، با توجه به ایدئولوژی متن و محتوا، به ترتیب بسامد عبارت‌اند از:

- رمزگان غنایی

همدمی دارم عزیز، از من جدا خواهد شدن
لاجرم مسکین دلم در اضطراب افتاده است
(ساوجی: ۲۴۵)

ما را بجز از عشق تو، در خانه کسی نیست
بنمای رخ از پرده که در خانه کسی نیست
(همان: ۲۶۳)

- قلندری

ره، خرابات است و درد سال خورده پیر ما
کس نمی‌داند به غیر از پیر ما، تدبیر ما
(همان: ۲۲۴)

سخن پیر مغان است که در دیر کسی
که سبک در نکشد رطل گران ره ندهند
(همان: ۳۱۱)

- طبیعت

از دم باد و نم باران، کند هر دم خراب
سقف مینا گنبد سبز زمرد فام گل
(همان: ۳۴۲)

ای باد اگر رهت ندهد پرده‌دار دوست
خود را چو آفتاب ز روزن درافکنی
(همان: ۳۹۱)

- اعضای بدن

برهم زدند ابروی و چشم تو وقت من
خود کیست آنکه تو بر هم نمی‌زنی؟
(همان: ۳۹۱)

باز می‌افکنند آن زلف کمند افکن او
کار آشفته ما را همه در گردن او
(همان: ۳۶۹)

- باورهای مذهبی

ز باغ وصل تو یابد ریاض رضوان آب
ز تاب هجر تو دارد شرار دوزخ تاب
(همان: ۲۳۰)

در بیابان تمنا همه سرگردانند

تا که را سوی تو توفیق و هدایت باشد
(همان: ۲۸۸)

- با بسامد کمتری تصوف، تجارت، عامیانه و علمی
این رمزگان به گونه‌ای است که مخاطب را با توجه به قالب غزل، به ژانر عاشقانه و قلندرانه و زیرژانرهای آن‌ها سوق می‌دهد که در تحلیل گفتمان نقد و تحلیل یاری می‌رساند. شاعر با توجه به بافت شعر، به رمزگان غنایی اهمیت زیادی داده‌است و هدف آن تشویق مخاطبان به عشق و عاشقی است، چنانکه شاعر هرکسی که عاشق نشود و عشق نوزد را گیاه می‌خواند (نک: ساوجی: ۲۱۶). سلمان ساوجی در غزلیاتش با رمزگان غنایی، تجاری و تصوف، رمزگان فرایندی را به وجود آورده‌است، اما رمزگان فرایندی، کارکردی برای بیان کردن ژانر عاشقانه و قلندریانه دارند.

جدول ۱. رمزگان فرایندی

رمزگان فرایندی با کارکرد قلندری	رمزگان فرایندی با کارکرد عاشقانه
کوی (عامه) + مغان	خریدار (تجاری) + ما
قلندری) - خانه	(غنایی) - طلبکار
(عامه) + خمار	(تجاری) + ما (فناپی) -
فروش (قلندری) -	کوی (عامه) + حبیب
خون (بدن) + قرابه	(غنایی) - نعمت (مذهبی)
(قلندری)	+ وصال (غنایی)

از آنجا که رمزگان عناصری هستند که می‌توان به وسیله آن‌ها، از ورای متن به زیر متن‌ها و بافت‌ها

سلمان، مطلب یار که بسیار بجستند
زین جنس، درین منزل ویرانه، کسی نیست
(همان: ۲۶۳)

۷-۱-۲. نشان‌داری واژگان

نشان‌داری (markedness)، مفهومی زبان‌شناختی است و بیشتر ناظر به معنای ضمنی واژگان، در کنار معنای صریح آن‌هاست. به عبارت دیگر، واژگان در کنار معناهای صریحی که دارند، عموماً حاوی مفاهیمی ضمنی نیز هستند که جایگاه فرهنگی - اجتماعی آن‌ها را تعیین می‌کند. بنابراین، زبان‌شناسان واژگان را بر حسب اینکه آیا نسبت به معنای صریح خود جهت‌گیری خاصی دارند یا خیر، به دو گروه واژگان نشان‌دار و بی‌نشان تقسیم کرده‌اند (عباسی، ۱۳۹۳: ۶۰). «هرگاه در میان دو واژه متقابل، یکی از آن‌ها برای پرسش و صحبت درباره مفهوم هر دو واژه به کار رود، واژه مذکور بی‌نشان و دیگری نسبت به آن نشان‌دار به حساب می‌آید. در چنین شرایطی، می‌توان نشان را چیزی شبیه به شرایط لازم و کافی تشخیص مفهوم یک واژه در نظر گرفت» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۲۲).
گونه‌های نشان‌داری عبارت‌اند از صوری، توزیعی، معنایی، موقعیتی و التزامی. همه واژگان به‌طور یکسان حامل ذهنیت و نگرش نویسنده نیستند. برخی خشی هستند؛ یعنی خالی از معانی ضمنی و مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی هستند و برخی دیگر حامل معانی ضمنی و ارزش‌گذارانه‌اند. بر این اساس، زبان‌شناسان واژگان را به دو دسته «بی‌نشان» و «نشان‌دار» تقسیم کرده‌اند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۲). لازم به ذکر است که واژگان بی‌نشان به آن دسته از امکانات زبان (آواها، واژگان، نحو) گفته می‌شود که ساده، عادی، خشی و همگانی‌اند و آن را بخش پیش‌الگو یا ارزش‌های «پایه» زبان هم می‌نامند (همان: ۲۶۳). این واژگان طبیعی‌ترین، ساده‌ترین، و در عین حال بنیادی‌ترین واژگان زبان

دست یافت و متن را عناصر اجتماعی و فرهنگی می‌پیوندند، می‌توان با تأمل در اشعار سلمان ساوجی از اوضاع حاکم بر زمانی که شاعر می‌زیسته‌است، دریافت که جامعه فضایی عاشقانه و قلندری داشته‌است، که جست‌وجو در تاریخ آن دوران، همین نتیجه را بیان می‌کند.

۶-۱-۲. اشاره‌گر

اشاره‌گر عنصری زبانی به حساب می‌آید که مقید به بافت موقعیتی است؛ یعنی به مکان، زمان یا شخصیتی اشاره دارد که از طریق بازشناسی موقعیت اجرای سخن شناخته می‌شود. اشاره‌گر اجتماعی، عنوان، صفت و لقبی است که به اقتضای موقعیت اجتماعی افراد انتخاب می‌شود (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۶۲). از طریق نام مکان‌ها، زمان‌ها، عنوان و لقب اشخاص هم می‌توان تأثیرات ایدئولوژیک متن را شناسایی کرد. با بررسی غزلیات سلمان ساوجی شاخص اشخاص بسامد بیشتری نسبت به شاخص زمانی و مکانی داشته‌است. شاخص‌های اشخاص به کار رفته گویای مخاطبان شاعر است و شاخص زمانی، بیشتر به شب و صبح و صبحدم اشاره دارد، که بیان‌گر حالات روحی و روانی شاعر است و هم‌چنین شاخص مکانی از جمله مسجد، میخانه، صومعه و ... بیانگر دیدگاه و ژانر قلندری حاکم بر اشعار سلمان است. شاعر نام خود را به‌عنوان شاخص وارد متن کرده‌است که بیشترین بسامد آماری را داراست. اگر شاخص اشخاص دسته‌بندی شود، می‌توان گفت مربوط به دایره ژانر قلندری (ساقی، مطرب، صوفی، زاهد، پیر، شاهد و ...) است و گروه دوم مربوط به ژانر عاشقانه است، از جمله عاشق، یار، معشوق و شاخص مردم بیان‌گر دیدگاه کلی‌نگری سلمان است.

چشم و ابروی تو از گوشه خود سلمان را
در خرابات کشان از بن گوش آوردند
(ساوجی: ۳۰۴)

برخی این مؤلفه‌ها را به‌منظور بررسی نحوه ارتباط نویسنده با مخاطب معرفی می‌کنند (درپر، ۱۳۹۳: ۱۲۴). با بررسی در غزلیات سلمان ساوجی، واژگان تکراری بسامد بیشتری نسبت به واژگان مترادف و متضاد دارند. بسامد بالای واژگان تکراری بیان‌گر تأکید در بیان مفاهیم ذهنی و باورهای شاعر دارد و جهت‌گیری نویسنده را نشان می‌دهد، بیشترین بسامد واژگان تکرار شده را می‌توان در دایره رمزگان‌ها و شاخص‌ها جست‌وجو کرد.

۲-۲. لایه نحوی

نحو کلمه‌ای یونانی به معنای نظم و ترتیب است. به‌طور کلی، نحو اسلوبی را بررسی می‌کند که واژگان براساس آن باهم ترکیب شده و واحدهای بزرگ‌تری را که جمله باشد، می‌سازد. در هر زبانی، همنشینی تکواژها بر روی زنجیره گفتار برای ساختن واحدهای بزرگ‌تری طبق قواعد خاصی صورت می‌گیرد که آن را نحو می‌نامند (مدرسی، ۱۳۸۶: ۳۵۸). در لایه نحوی با بررسی اشعار از رهگذر دستور زبان فارسی، می‌توان به اندیشه شاعر دست یافت. فتوحی در معرفی الگویی برای مطالعه سبک‌شناسی یک اثر در لایه نحوی به این نکات اشاره می‌کند:

سبک‌شناسی در لایه نحوی به موضوع چیدمان واژگان و نظم دستوری کلمه می‌پردازد. نحو منظم، مولود ذهن نظام‌مند است. ساخت اندیشه با نحو پایه پیوند آشکارتری دارد تا با واژه. کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، نوع جمله‌ها، کیفیات وجه و زمان همگی بیان‌گر نوع اندیشه‌اند. بنابراین کیفیات روحی و ذهنیات پنهان گوینده در عناصر نحوی بیشتر خودنمایی می‌کند. باید از رهگذر همین عناصر نحوی نشان‌دار، ردپای سبک و اندیشه و دل‌سپردگی گوینده به موضوعات را دنبال کرد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۷).

هستند که «هسته‌ای» هم نامیده می‌شوند (همان: ۲۶۳). نشان‌داری و بی‌نشانی واژگان به‌کار رفته در یک متن را می‌توان با توجه به نوع متن نیز سنجید، چنانکه «متون ادبی و سخنان اعتقادی اساساً سرشار از واژگان ارزشی و شخصی‌اند و حاوی دیدگاه شخصی گوینده هستند؛ بنابراین طبیعی است که سرشار از واژگان نشان‌دار باشند، ولی نویسنده مقاله علمی، دانشی مستند عرضه می‌کند که صدق آن مورد قبول همگان است. از این رو، باید از واژگانی بی‌نشان بهره‌برد تا نوشته‌اش به واقعیت و قطعیت نزدیک‌تر باشد» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۶۳). با بررسی صورت‌گرفته در غزلیات، شاعر از واژگان بی‌نشان بهره‌برده‌است و حضور واژگانی نشان‌دار چندان محسوس نیست، در نتیجه فردیت شاعر در غزلیات منعکس نشده‌است. شاعر در انتخاب واژگان شعرش میانه و معتدل عمل می‌کند. نگاه شاعر نگاهی خنثی و بی‌طرفانه است.

بسوخت این دل خام و به کام دل نرسید

به کام اگر برسیدی نریختی خوناب

(ساوجی: ۲۳۰)

می‌کشد مسکین دلم، تاب طناب طره‌ات

چون کند در گردن او، این طناب افتاده‌است

(همان: ۲۴۴)

تنها موارد نشان‌دار به‌کار رفته در غزلیات

سلمان ساوجی در ابیات زیر نمایان است:

سودی ندید آن دل بی‌مایه کو بجان

سودای ما نکرد خریدار ما نشد

(همان: ۲۹۷)

سلمان مگر شنید حدیثی ازین دهن

بیچاره خود به هیچ گرفتار ما نشد

(همان: ۲۹۸)

۲-۱-۸. واژگان مترادف و متضاد و تکرار

فتوحی بررسی واژگان مترادف، متضاد و تکراری را به‌عنوان یک مؤلفه سبکی معرفی کرده‌است، اما

منظور از بررسی نحوی «بررسی قواعد حاکم بر شیوه ترکیب واژگان و شکل گرفتن جمله‌ها در یک زبان» است. در این کاربرد، نحو در برابر صرف (تکواژشناسی یا دانش ساخت‌واژه) قرار دارد. به عبارت دیگر، نحو عبارت است از بررسی روابط میان عناصر ساختمان جمله و قواعد حاکم بر نظم و توالی جمله (crystal به نقل از فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۶). بر اساس همین قواعد است که ساختمان یک جمله در درون یک زبان خاص، منطقی و ممکن یا غیرمنطقی و ناممکن می‌شود (همان: ۲۶۹).

در برخی از دیدگاه‌ها، موضوع نحو از بررسی کیفیت چینش واژگان و رابطه آن‌ها با دیگر عناصر جمله فراتر می‌رود و علاوه بر بررسی طول جمله‌ها، در سطحی بالاتر به بررسی رابطه جمله‌ها باهم نیز می‌پردازد. در نظریه نحوی چامسکی، نحو معادل «کل دستور است منهای معنی‌شناسی و آواشناسی» (crystal به نقل از فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۶) در لایه نحوی، مؤلفه‌هایی از قبیل کیفیت

واژه‌چینی در جمله، چیدمان طبیعی جمله، چیدمان نشان‌دار، طول جمله‌ها، پیوند جمله‌ها، پیوستار بلاغی جمله‌ها، جهت، زمان، صدای دستوری، با شرح و جزئیات بیشتر بررسی شده‌است و مؤلفه‌های فوق را می‌توان به دو دسته‌ای که میزان قطعیت متن و ویژگی ساختمان و سبکی جمله را مشخص می‌کنند دسته‌بندی کرد. اما در این مقاله، هر مؤلفه مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

زبان سلمان ساوجی در اشعارش زبانی ساده و گاهی به دور از پیچدگی در جای‌گردانی نحوی است؛ جابه‌جایی ارکان در اشعارش بسامد بالایی ندارد و پای‌بندی ساوجی را به نحو پایه آشکار می‌سازد.

با توجه به مبحث «جای‌گردانی نحوی»، ارکان جمله و اشعار سلمان ساوجی مورد بررسی قرار گرفته‌است تا میزان جابه‌جایی و میزان حذف هریک مشخص گردد و از این طریق بتوان به سبک فردی شاعر دست یافت. بیشترین جابه‌جایی را متمم، فعل و سپس نهاد در اشعار سلمان ساوجی داشته‌اند. بنابراین انجام عمل، رخداد و ادوات مربوط به عمل صورت‌گرفته و سپس نهاد و چگونگی رخداد عمل برای شاعر اهمیت دارد. در بخش حذف ارکان جمله، نهاد بیشترین و فعل کمترین حذف را

۱-۲-۲. چیدمان طبیعی در جمله

زبان معیار یا درجه صفر نگارش در سبک‌شناسی، مبنای کشف و شناسایی هنجارگریزی‌های سبکی است. بنابراین در بررسی نحو هر متن، باید میزان خروج از معیارهای آن متن را براساس نحو پایه یا هنجار سنجیده شود. نحو پایه عبارت از «نظم

۱-۲-۲. چیدمان طبیعی در جمله

زبان معیار یا درجه صفر نگارش در سبک‌شناسی، مبنای کشف و شناسایی هنجارگریزی‌های سبکی است. بنابراین در بررسی نحو هر متن، باید میزان خروج از معیارهای آن متن را براساس نحو پایه یا هنجار سنجیده شود. نحو پایه عبارت از «نظم

متفاوت با نظم پایه داشته باشد، نشان و تشخیص خاصی خواهد یافت (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۴۷). بر این اساس، هنجارگریزی نحوی جملات مورد بررسی قرار گرفت تا از این طریق میزان تأکید و اهمیت ذهنی شاعر بر ارکان جمله مشخص شود. بررسی صورت گرفته به این شیوه است که کدام یک از ارکان جمله در آغاز قرار گرفته‌اند. بسامد هنجارگریزی متمم (۰۷/۲۶٪) و فعل (۵۹/۲۱٪) است که ناشی از تفکر و دیدگاه خاص شاعر در خصوص افعال و رخداد و ادوات و عناصر وابسته به آن است. همان‌طور که پیش از این، در این باره سخن رفت، جابه‌جایی نهاد نیز پس از فعل و متمم مشهود است، در حالی که فقط ۱۸٪ آن در جایگاه اصلی خود آمده‌است. نکته قابل ذکر، عدم جابه‌جایی مسند (۷۸٪/۶) است که بیانگر حفظ ساختار جملات اسنادی است.

متمم

با آتش عشق تو کجا جای قرار است؟

با این دل دیوانه کرا برگ صبوری است؟

(همان: ۲۴۶)

ساقی ز جام مستی ما را رسان به کامی

تا ما ز کوی هستی بیرون نهیم گامی

(همان: ۳۸۷)

فعل

گر سرم برداری از تن سر نگردانم ز حکم

ور نهی بر پای بندم بنده فرمانم چو شمع

(همان: ۳۴۰)

برافشان آستین تا من ز خود دامن برافشانم

برافکن پرده تا پیدا شود احوال پنهانم

(همان: ۳۵۴)

۲-۲-۳. طول جملات

«جمله به واحدی از زبان گفته می‌شود که از یک یا

داراست. حذف نهاد بیان‌گر قرار گرفتن کننده افعال یا پذیرنده حالات جملات در محوریت توجهی متوسط است و نهادهای جمله‌های محذوف، معشوق، عاشق و خود سلمان و اشخاص دیگر هستند؛ بنابراین نهاد برای شاعر شناخته شده است و قصد بیان مجدد آن را ندارد، از این رو، تأکید کلام را بیشتر می‌کند. میزان اندک افعال و بسامد بالای فعل در جملات سلمان ساجی، بیان‌گر ساختار جملات مبتنی بر جمله کامل است، نه شبه‌جمله. شاعر در باب عمل صورت گرفته تأکید و اصرار دارد و نشان‌دهنده تمرکز معنایی شاعر بر افعال است نه کننده. از آنجا که اهمیت فعل در سبک شاعر مشخص شد، افعال از منظر فرایندهای فعلی که شامل فرایندهای مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، کلامی و وجودی هستند، مورد بررسی قرار گرفت. فرایندهای مادی، رابطه‌ای و سپس ذهنی بیشترین بسامد را دارند. فرایند مادی، فرایندی است که بر انجام کاری، یا رخداد واقعه‌ای دلالت دارد که طی آن کاری انجام می‌گیرد که ممکن است چیزی دیگر از این کار متأثر شود یا نشود. فرایند ذهنی، فرایندی است که بر احساس، اندیشه و ادراک دلالت دارد. فرایند رابطه‌ای، بر چگونگی بودن چیزها و پدیده‌ها اشاره دارد. این امر از رهگذر کیفیتی که به آن‌ها نسبت می‌دهد، یا به واسطه بیان موقعیت زمانی- مکانی مرتبط بر آن‌ها، و یا از طریق بیان تملکی که بر آن می‌رود، صورت می‌دهد و این اغلب با فعل «بودن» بیان می‌شود. فرایند رابطه‌ای بر دو گونه «شناسایی» و «وصفی» است (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۲-۴۳).

۲-۲-۲. چیدمان نشان‌دار

نحوشناسان امروزی در برابر نظم پایه یا نحو معیار، «نظم نشان‌دار» را مطرح می‌کنند. اگر در یک متن، نظم عادی نحو به‌خاطر تأکید بر بخشی از کلام تغییر کند و ساختاری غیرمتداول و نامعمول و

۲-۲-۴. پیوند جمله‌ها

از دیرباز دو ساخت نحوی ساده و مرکب رایج در گفتار، ملاک تمایز دو نوع «سبک مقطع» و «سبک ترکیبی» بوده‌است. رابطه دستوری میان جمله‌های هر متن، چهار نوع سبک نحوی گسسته، هم‌پایه، وابسته، متصل و تودرتو را متمایز می‌کنند. پیوستار دستوری حاصل همکاری عناصر زبانی مانند حرف ربط، شرط، پیوندها و وابسته‌سازهاست. نهایتاً این دو عامل معنایی و صوری هستند که یک متن را منسجم می‌سازد (همان: ۲۸۰). در این بخش، جملات از منظر ساده، هم‌پایه و مرکب مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جملات مرکب و سپس هم‌پایه دارای بسامد بالایی هستند که سبک سلمان ساوجی را وابسته ساخته‌اند، یعنی جملات در آن حامل اندیشه‌های وابسته به هم هستند.

خاک را خاصیت اکسیر اگر، زر می‌کند

ساقیا می‌ده، که ما، خاکیم و می، اکسیر ما

ما که از دور ازل مستیم و عاشق، تا کنون

غالباً صورت نبندد، بعد از این تغییر ما

(همان: ۲۲۴)

مست رو بر در میخانه که مستان خراب

نکنند از پی هوشیار در میکده باز

(همان: ۳۳۱)

۲-۲-۵. پیوستار بلاغی جمله‌ها

در اصطلاح زبان‌شناختی، پیوستار بلاغی عبارت است از پیوند و جاذبه مولکولی میان جمله‌های یک بندنوشت (پاراگراف)، این مسأله در مباحث تحلیل گفتمان و آموزش سبک و نگارش با این پرسش مطرح می‌شود: «واحدهای اندیشه (جمله‌ها) تداوم دارند یا گسسته‌اند؟» (همان: ۲۷۹)

جملات موجود در ابیات غزلیات سلمان ساوجی دارای پیوستگی ارزیابی می‌شوند که این مقوله نشان‌دهنده آن است که شاعر در بیان جملات،

چند گروه ساخته شده باشد و به دو قسمت نهاد و گزاره بخش‌پذیر باشد ... جمله مستقل بزرگ‌ترین واحد زبان است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۸-۱۱) و در تعریفی دیگر، «جمله سخنی است که متضمن اسناد و دارای درنگی پایانی و معنایی کامل باشد ... جمله وسیع‌ترین صورت زبانی است» و در زبان‌شناسی تعریفی دیگر از انواع جمله مورد توجه قرار گرفته‌است: «جمله به آن واحد زبان فارسی گفته می‌شود که از یک بند یا بیشتر ساخته شده باشد. جمله فارسی بر دو گونه هسته‌ای و خوشه‌ای است» (باطنی، ۱۳۷۴: ۶۰). جمله بلندترین واحد سازمانی در نحو است و اگر هر ساخت نحوی شکلی از یک واحد اندیشه باشد، می‌توان از رهگذر بررسی بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت اندیشه و سبک و حالات روحی گوینده را تحلیل کرد. زیرا طول جملات نسبتی با میزان درنگ و تأمل گوینده در یک واحد فکری دارد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۵). جملات به‌کار رفته در اشعار سلمان ساوجی هفت، هشت و پنج‌کلمه‌ای هستند که نشان‌دهنده تعادل معنا و لفظ در سبک شاعر است. شاعر تمایلی به ساخت جملات طولانی ندارد و این نکته را آشکار می‌سازد که شاعر در بیان معنا، لفظی مساوی و متناسب با آن در نظردگرگرفته‌است که این مطلب مرتبط با مقوله «مساوات» در علم معانی است.

جور^۱ معشوق^۲ نباشد^۳ همه^۴ وقت^۵ ز^۶ عتاب^۷

وقت باشد که^۱ خود^۲ از^۳ عین^۴ عنایت^۵ باشد^۶

(ساوجی: ۲۸۸)

غمزه بیمار یار، از ناتوانی خوشترست

قامت^۱ اش^۲ را^۳ در^۴ طبیعت^۵، اعتدالی^۶ دیگر^۷ است^۸

(همان: ۲۵۱)

بسوخت^۱ این^۲ دل^۳ خام^۴ و به^۵ کام^۶ دل^۷ نرسید^۸

به^۱ کام^۲ اگر^۳ برسد^۴ می^۵، نریختی خوناب

(همان: ۲۳۰)

رعایت‌کننده تداوم منطقی اندیشه و توالی آن‌ها بوده‌است و نکته قابل ملاحظه آن است که علاوه بر پیوستار دستوری، دارای پیوستار معنایی نیز هست. پیوستار یا انسجام معنایی از سازگاری منطقی زمان و زبان، ارتباط گزاره‌ها و معانی ضمنی با دانش عمومی ما و سازگاری آن‌ها با مشخصه‌های نحوی کلام حاصل می‌شود.

۶-۲-۲. وجهیت

وجهیت عبارت است از میزان قطعیت گوینده در بیان یک گزاره که به‌طور ضمنی به‌وسیله عناصر دستوری نشان داده می‌شود و بیان‌کننده منظور یا قصد کلی یک گوینده یا درجه پای‌بندی او به واقعیت یک گزاره یا باورپذیری، اجبار و اشتیاق نسبت به آن است. وجه، مقوله‌ای نحوی - معنایی است که نظر و دیدگاه گوینده را در جمله نسبت به موضوع سخنی که بیان می‌کند، نشان می‌دهد. وجه در ساختمان بند از آن جهت اهمیت دارد که حاکی است از «جهت‌گیری‌های خاص نویسنده نسبت به آنچه می‌گوید» (Simpson) به نقل از فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۵).

۶-۲-۲.۱. وجهیت در فعل

وجهیت در فعل جمله و قید نمود دارد. وجهیت به‌طرز بارزی در فعل جمله نمود دارد. وجه فعل، «صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱). این جنبه از فعل، درواقع تلقی گوینده از محتوای گزاره را بیان می‌کند؛ این تلقی‌ها درباره یک رخداد، به‌وسیله فعل‌های کمکی و جنبه وجهی فعل بیان می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۶). کتب دستور زبان فارسی وجهیت در فعل را در سه وجه اخباری، امری و التزامی معرفی کرده‌اند، اما در این پژوهش، وجوه ذکرشده توسط فتوحی مبنای کار قرار گرفته‌است. در غزلیات سلمان ساوجی، وجه اخباری و سپس

وجه‌های عاطفی و امری با فاصله آماری بسیار نمود دارند. بسامد بالای وجه اخباری بیانگر وقوع قطعی یک رخداد و ارتباط نزدیک شاعر با رخدادهاست. بنابراین، بسامد بالای وجه اخباری شاعر را در ارتباطی نزدیک با مفاهیم شعری‌اش نشان می‌دهد و مخاطب را متوجه دغدغه‌های درونی خود می‌کند. وجه عاطفی دربردارنده شور و هیجان و احساسات نسبتاً بالای شاعر است. همچنین بسامد وجه امری نیز قابل ذکر است که بیان‌گر حاکمیت و قطعیت شاعر در انجام کارهاست. میزان اندک وجه تمنایی بیان‌گر عدم امید، آرزو و دعا در شاعر است و سلمان ساوجی به‌گونه محافظه‌کارانه برخورد کرده‌است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۹-۲۸۷).

وجه اخباری

تشنه خود را دمی، لعل تو، آبی نداد
خلوت ما را شبی، شمع تو، تابی نداد
خواست که از گوشه خواب، درآید به چشم
خانه، خیال تو داشت، مدخل خوابی نداد
(ساوجی: ۲۷۲)

وجه عاطفی

ای به دیدار توام، دیده گریان مشتاق
ز اشتیاق لب لعلت، به لبم جان مشتاق
(همان: ۳۴۱)
در نامه چو من شرح فراق تو نویسم
خون گرید و فریاد کند خامه ز دستم
(همان: ۳۴۴)

وجه امری

فتوحی تعریف وجه امری را در ذیل وجه التزامی آورده و وجه امری را نشان‌دهنده جهت‌گیری و حالت گوینده نسبت به اجرای یک عمل از نوع درخواست، توصیه، اجبار و فرمان بیان کرده‌است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۷).

چاره‌ای کن که مرا صبر به غایت برسید

صبر پیداست که خود تا به چه غایت باشد

(ساوجی: ۲۸۸)

ما را بجز از عشق تو در خانه کسی نیست

بنمای رخ، از پرده که در خانه کسی نیست

(همان: ۲۶۳)

۲،۶،۲،۲. وجهیت در قید

گروه قیدی بخشی از سخن است که فعل به آن

نیازمند نیست و جنبه توضیحی دارد (وحیدیان

کامیار، ۱۳۹۴: ۱۰۸). با بررسی قید و وجهیت آن

می‌توان به دیدگاه نویسنده پی برد. قیدها حامل

دیدگاه گوینده درباره موضوع‌اند و شدت و ضعف

تلقی، باور و دل‌بستگی وی را به عقاید و

ایدئولوژی‌ها نشان می‌دهد. از طریق بررسی قیدها،

هم‌چنین میزان واقع‌گرایی و منطقی بودن یا

آرمان‌گرایی و احساساتی بودن سبک گوینده را

می‌توان بازشناسی کرد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۹).

اشعار سلمان ساوجی زمان‌مند و مبتنی بر قید

حالت است، قیدهای حالت عموماً بیان‌گر حالات

مستی و بی‌خودی و ناراحتی است و قیدهای زمان

بر شب، صبحدم و سحر بیشتر دلالت دارند. بسامد

قید زمان بیان‌گر منطقی بودن شاعر است که به

زمان انجام کارها دقت می‌کند و سپس بسامد قید

حالت بیان‌گر شخصیت احساساتی شاعر است.

وجود دو بعد شخصیتی منطقی و احساساتی در

کنار یکدیگر شخصیتی جالب را نشان می‌دهند که

شاعر سعی بر غلبه منطقی بر احساسات دارد.

امروز خاک پای دوست شد کسی

کو کرد در جهان سری و دوش گردنی

(ساوجی: ۳۹۱)

نوبت شاهی است گل را زان سبب هر بامداد

نوبت شادی زند، مرغ سحر بر بام گل

(همان: ۳۴۲)

در خرابات مرا دوش به دوش آوردند

بی‌خودم بر در آن باده‌فروش آوردند

(همان: ۳۰۴)

از خلال مبحث وجهیت می‌توان ساختاری

نحوی با محتوای وجهیت را این‌گونه بیان کرد:

وجهیت، کیفیت و چگونگی بیان امور و موضوع از

جانب گوینده است. جهت‌گیری گوینده در کلام،

نوع رابطه او را با شنونده مشخص می‌کند و

می‌توان از آن با «نقش بینافردی سخن» یاد کرد.

بررسی وجهیت، کار بازنشانی نقش‌ها و معانی

ساخت‌های زبانی را آسان می‌کند، به‌گونه‌ای که از

جنبه‌های روان‌شناختی زبان و سبک مؤلف،

می‌توان اطلاعات دقیق‌تری حاصل کرد. از طریق

بررسی وجهیت، میزان پای‌بندی متن به عقاید و

ایدئولوژی‌ها مشخص می‌شود.

۷-۲-۲. زمان

عامل زمان در جمله، نشان‌دهنده میزان فاصله

گوینده یا نویسنده با موضوع است. تغییر فاصله

گوینده با واقعیت، زاویه دید و ذهنیت وی را

تغییر می‌دهد. از این رو عامل زمان، متغیر مهمی در

میزان واقع‌گرایی متن و شیوه نگاه مؤلف به امور

به‌شمار می‌رود (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۱). افعال ماضی

ساده بیشترین بسامد را دارند که بیان‌گر زیاد شدن

فاصله گوینده با واقعیت و اصل حادثه است و

اطمینان گوینده درباره خبر کاهش می‌یابد. اما

کاربرد فعل ماضی ساده برای بیان عملی است که

در گذشته انجام گرفته بدون توجه به دوری و

نزدیکی زمان (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۴: ۴۱). سپس

بسامد آماری مضارع ساده با اختلاف زیاد آماری

چشمگیر است و بسامد افعال مضارع بیان‌گر

کم شدن فاصله شاعر از اشعارش است و

موضوعات بیان‌شده با افعال مضارع، موضوعات

همیشگی شاعر هستند. به‌طور کلی، بسامد استفاده

از زمان گذشته و حال، بیش از زمان آینده است.

بسوخت این دل خام و به کام دل نرسید

به کام اگر برسیدی نریختی خوناب

(ساوجی: ۲۳۰)

بر سر خوانش شبی رفتم و کردم سؤال

هیچ صلایی نزد هیچ جوابی نداد

(همان: ۲۷۲)

در مسجد چه زنی اینک در میکده باز

خیز مردانه قدم در نه و خود را در باز

(همان: ۳۳۱)

۲-۲-۸. صدای دستوری و سبک

بخشی از رابطه سبک و اندیشه در صدای دستوری

بازتاب می‌یابد. منظور از صدای دستوری، رابطه

میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت‌کنندگان

در فرایند فعلی (فاعل، مفعول و...) است. صدای

دستوری در کنار دیگر وجوه فعل، مانند زمان،

نمود، وجهیت و حالت شناخته می‌شود. صداهای

دستوری عبارت‌اند از صدای فعال، منفعل،

انعکاسی، میانی، سببی و دوجانبه. با استفاده از

افعال لازم، متعددی، اسنادی و شبه مجهول صدای

سبکی اشعار سلمان ساوجی بررسی شده است.

از آنجا که بسامد افعال متعدی و شبه مجهول،

صدای فعال و بسامد افعال لازم و اسنادی، صدای

منفعل دارند، باتوجه به بسامد افعال متعدی

(۴۹/۹۶٪) و شبه مجهول (۲/۵۰٪) غزلیات سلمان

ساوجی صدایی فعال دارد. صدای فعال، صدای

مؤثر بیان‌کننده انجام یک عمل توسط عنصر اصلی

جمله (نهاد) است. وقتی نهاد جمله کنش‌گر یا

عامل فعل باشد، جمله صدای فعال و مؤثر دارد.

این صدا از آن رو فعال نامیده می‌شود که عمل از

جانب کنش‌گر، که پویاترین یا فعال‌ترین بخش

جمله است، جاری می‌شود و در کلام بسط

پیدا می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۵).

هر دم به تیر غمزه دلم را چه می‌زنی؟

خود را گذاشتم به تو خود در دل منی

(ساوجی: ۳۹۱)

کار کارافتادگان را باز می‌بین، گاه گاه

خاصه، کار افتاده‌ای را کو، ز کار افتاده است

(همان: ۲۴۷)

از دیگر صداهای دستوری می‌توان انعکاسی،

سببی، میانه و دوجانبه را نام برد؛ صدای انعکاسی

آن است که در نحو، فاعل و مفعول، یا کنش‌گر و

کنش‌پذیر، یک مرجع دارند، صدای میانی در همه

زبان‌ها نیست. این صدا در جمله‌ای که فعل لازم

در آن ظاهری فعال دارد، صدای دوجانبه در

جمله‌ای است، شنیده می‌شود که فاعل و مفعول

فعلی را به‌طور متقابل اجرا می‌کنند، در صدای

سببی نهاد جمله سبب وقوع فعل است، نه کنش‌گر

و فاعل واقعی (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۰۰). با بررسی

صورت‌گرفته، اشعار سلمان ساوجی صدایی

انعکاسی دارد که فعال است. صدای انعکاسی

زمانی است که فاعل و مفعول، یا مبتدا و خبر، در

جمله یک مرجع دارند و بازتاب فعل به خود فاعل

برمی‌گردد (همان: ۳۰۰).

ناله رسول دل است، گر تو قبول کنی

ور نکنی حاکمی نیست بر و جز بلاغ

(ساوجی: ۳۴۱)

دست در دامن او می‌زنم و می‌کشمش

تا بر غم من سر نهد در پایش

(همان: ۳۳۹)

صدای دستوری ممکن است ایستا یا پویا باشد.

صدای ایستا آن است که یک عمل برای فاعل در یک

محدوده زمان معین انجام شده و خاتمه یافته است، و

صدای پویا یا دینامیک آن است که تدوام رخ دادن یک

فرایند را بیان می‌کند (همان: ۳۰۱). این موضوع در

کتاب دستور زبان با عنوان افعال تداومی و لحظه‌ای

بیان شده‌اند. اما با تعریفی ساده‌تر، افعال لحظه‌ای به

مبحث نشان‌داری و بی‌نشانی واژگان، واژگان بی‌نشان که ساده، خنثی و عادی هستند بسامد دارند. این واژگان به واقعیت نزدیک هستند، که ویژگی متون علمی است نه ادبی؛ متون ادبی باید حامل واژگان نشان‌دار باشند و دیدگاه و ذهنیت نویسنده نمود پیدا کند. از دیگر موارد بررسی‌شده، مؤلفه‌های تکرار، تضاد و مترادف است. بسامد بالای تکرار، نشان‌گر تأکید شاعر بر مفاهیم ذهنی خود است.

با بررسی لایه نحوی در بخش‌های کیفیت واژه‌چینی، چیدمان نشان‌دار، سبک و ساختمان جملات و ... هر بخش ویژگی سبکی ویژه‌ای دارند. در بخش واژه‌چینی، چیدمان طبیعی جملات از نحو معیار جابه‌جایی دارند. متمم و فعل بیشترین جابه‌جایی را در سطح جملات داشته‌اند و این امر مشخصه چیدمان نشان‌دار است. از آنجا که جابه‌جایی ارکان جمله انگیزه فردی دارد، رخداد عمل و فعل و ادوات آن برای شاعر مهم است. طول جملات هفت و هشت‌کلمه‌ای، بیان‌گر تناسب کلام با محتواست. بسامد جملات مرکب و ساده سبب سبک تلفیقی شده‌است. ساختمان جملات غزلیات دارای پیوستگی بلاغی هستند. در بخش وجهیت افعال، وجه اخباری و سپس عاطفی و امری بسامد بالایی دارند، این مسئله بیان‌گر سخن‌گفتن شاعر از جایگاه بالا و دانایی شاعر است. در وجهیت قید، قیده‌های زمان و حالت دارای بسامدی بالا هستند، بنابراین زمان و چگونگی رخداد عمل برای شاعر اهمیت دارد. زمان افعال ماضی نشان‌گر تمرکز فکری شاعر در گذشته است. در بخش صدای دستوری، متن به‌واسطه بسامد افعال متعدی و شبه مجهول دارای صدایی فعال است؛ این صدای فعال بر صدای انعکاسی سبک نیز تأثیرگذار بوده‌است. همچنین صدای پویا آخرین مؤلفه صدای سبک در غزلیات سلمان ساوجی است.

افعالی گفته می‌شود که عملشان در یک لحظه رخ می‌دهد و در ادامه جریان پیدانمی‌کند. افعال تدامی، افعالی را می‌گویند که عملشان در یک لحظه اتفاق می‌افتد اما ادامه پیدا می‌کند (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۴: ۳۹). با بررسی صورت‌گرفته، غزلیات سلمان ساوجی صدایی پویا دارد. شاعر دارای ذهنی پویاست که از پویایی افعال که اهمیتی بالا در سبک شاعر دارند، می‌توان به ذهنیت پویای شاعر نیز پی برد.

بر سوختن و مردن من شمع شب‌افروز

خندید بسی امشب و من می‌نگریستم

(ساوجی: ۳۴۴)

بعد از این گر پیش چشمم بر کنار افکنده‌ای

در میان مردمم چون اشک رسوا کرده‌ای

(همان: ۳۷۵)

۳. نتیجه

از آنچه در شرح و بررسی لایه واژگانی گذشت، سلمان ساوجی در بخش واژه‌گزینی از واژگان حسی بهره برده‌است، واژگان حسی سبب شکل‌گیری سبک محسوس و نمایشی شده‌است. بسامد واژگان عام، بیان‌گر گسترش دایره تخاطبی اشعار است. یکی از نقاط قوت ویژگی سبکی غزلیات سلمان ساوجی، بسامد واژگان شکوه‌مند واژگان است، اما یکی از نقاط ضعف عدم بسامد کهن‌گرایی و واژه‌سازی واژگان است. استفاده از واژگان کهن یا نوواژه‌ها باعث تمایز سبکی می‌شود، که سلمان ساوجی تمایزی ندارد. در بخش تأثیر ایدئولوژیک واژه، بسامد رمزگان ساختاری، سبب نزدیکی واژگان شعر به قطعیت و واقعیت شده و شاعر تحت سیطره نظام زندگی اجتماعی است. شاخص اشخاص بیشترین بسامد را نسبت به شاخص‌های مکانی و زمانی دارد، سلمان ساوجی در وهله اول، خود را و سپس اشخاص دایره ژانرهای غنایی و قلندری را وارد متن کرده‌است، که بیان‌گر دایره مخاطبان شاعر است. در

پیوست

جدول ۲- واژه‌گزینی در لایه واژگانی

واژه‌گزینی							
حسی	ذهنی	عام	خاص	عامیانه	فاخر	کهن‌گرایی	واژه‌سازی
۵۶٪/۷۲	۴۳٪/۲۸	۴۰٪/۷۱	۵۹٪/۲۸	۰٪/۹۸	۹۹٪/۰۲	۰	۰

جدول ۳- ایدئولوژیک در واژه

ایدئولوژیک در واژه									
رمزگان		نشان‌داری		اشاره‌گر			دیگر مؤلفه‌های سبکی		
ساختاری	فرایندی	نشان‌داری	بی‌نشان	زمان	مکان	اشخاص	تضاد	تکرار	ترادف
۸۶٪/۹۵	۱۳٪/۰۴	۰٪/۹۸	۹۹٪/۰۲	۱۹٪/۸۰	۳۷٪/۲۲	۵۲٪/۹۷	٪/۱۳	۶۷٪/۷۵	۱۹٪/۵۰

جدول ۴- جابه‌جایی و عدم جابه‌جایی جملات

جابه‌جایی و عدم جابه‌جایی جملات	
جابه‌جایی	عدم جابه‌جایی
۵۰٪/۲۳	۴۹٪/۷۷

جدول ۵- آمار کلی ارکان جمله

بسامد کلی ارکان جمله							
نهاد		فعل		متمم	مفعول	مسنند	قید
بسامد	محذوف	بسامد	محذوف				
۵۵٪/۴۰	۴۵٪/۲۰	۶۰٪/۷۶	۷٪/۶۳	۶۸٪/۲۲	۴۰٪/۵۵	۲٪/۰۴	۲۰٪/۹۰
چیدمان نشان‌دار (جابه‌جایی و در آغاز جمله قرارگرفتن)							
۱۸٪/۷۷		۲۱٪/۵۹		۲۶٪/۷۰	۱۱٪/۵۳	۶٪/۷۸	۱۴٪/۹۴

جدول ۶- بررسی نهادهای محذوف

بسامد نهادهای محذوف						
عناصر ذهنی	سلمان ساوجی	عاشق	عناصر طبیعت	معشوق	ضمیر	شخص
۴٪/۹۳	۲۱٪/۳۸	۱۹٪/۰۷	۲٪/۹۶	۳۵٪/۸۵	۳٪/۹۴	۱۱٪/۸۴

جدول ۷- بررسی افعال از منظر فرایندهای فعلی

بررسی افعال از منظر فرایندهای فعلی					
رفتاری	وجودی	کلامی	مادی	ذهنی	رابطه‌ای
۳٪/۸۹	۵٪/۱۷	۴٪/۳۱	۳۸٪/۳۶	۲۰٪/۸۳	۲۷٪/۴۴

جدول ۸- انواع متمم در جملات

انواع متمم در جملات						
طبیعت	ضمیر	اعضای بدن	اشیا	مکان	زمان	اشخاص
۶۱٪/۶۱	۱۵٪/۰۷	۱۲٪/۹۵	۱۵٪/۰۷	۳٪/۳۹	۴٪/۸۸	۳۱٪/۶۳

جدول ۹- بسامد انواع قید

انواع قید					
تاکید	شک و تردید	نفی	پرسشی	تکرار	کمیت
۸۹٪/۰۱	۷۵٪/۲۱	۷۵٪/۲۱	۲۷٪/۸۱	۴۴٪/۳۱	۸۲٪/۴۱
مکان	زمان	حالت	کیفیت	تئوین‌دار	مختص
۸۲٪/۴۱	۸۶٪/۳۵	۶۸٪/۲۰	۰۶٪/۲۱	۶۸٪/۰۱	۱۰٪/۱۳

جدول ۱۰- بسامد طول جملات

طول جملات					
یک کلمه	دو کلمه	سه کلمه	چهار کلمه	پنج کلمه	شش کلمه
۴۹٪/۵۱	۳۵٪/۷۱	۳۲٪/۸۱	۶۲٪/۹۱	۲۳٪/۱۱	۷۷٪/۹۱
هفت کلمه	هشت کلمه	نه کلمه	ده کلمه	یازده کلمه	دوازده کلمه
۹۳٪/۱۰	۲۸٪/۱۱	۳۵٪/۸۱	۸۰٪/۶۱	۰۱٪/۴۱	۶۷٪/۲۱
سیزده کلمه	چهارده کلمه	پانزده کلمه	شانزده کلمه	هفده کلمه	هجده کلمه
۳۳٪/۰۱	۲۰٪/۰۱	۲۲٪/۰۱	۰٪/۰	۷۱٪/۰	۳۶٪/۰
نوزده کلمه	بیست کلمه	بیست و یک کلمه	بیست و دو کلمه	بیست و سه کلمه	بیست و چهار کلمه
۱۶٪/۰	۰٪/۰	۱۱٪/۰	۳۰٪/۰	۰٪/۰	۰٪/۰

پیوستار بلاغی	
پیوستگی	گسستگی
۱۰۰	۰

جدول ۱۲- پیوند جملات

پیوند جملات		
مرکب	ساده	همپایه
۲۷٪/۴۹	۹۵٪/۳۰	۴۶٪/۱۹

جدول ۱۳- وجهیت

وجهیت در فعل								
تمنایی	التزامی	شرطی	امری	تردیدی	پرسشی	تاکیدی	عاطفی	اخباری
۶۲٪/۰۱	۳۶٪/۲۱	۹۸٪/۳۱	۹۳٪/۱۱	۴۴٪/۱۱	۱۷٪/۶۱	۱۷٪/۱۱	۲۹٪/۱۴	۷۸٪/۴۶
وجهیت در قید								
مختص	تئوین‌دار	کیفیت	حالت	زمان	مکان	کمیت	تکرار	پرسشی
۵۷٪/۱۳	۴۳٪/۱۱	۱۴٪/۲۱	۴۳٪/۲۱	۰۰٪/۳۵	۰۰٪/۵۱	۰۰٪/۵۱	۵۷٪/۳۱	۸۶٪/۱۲

جدول ۱۴- زمان افعال

مضارع اخباری	مضارع التزامی	مضارع ساده	آینده	امری	ماضی ساده
۱۳٪/۱۲	۲٪/۱۶	۱۹٪/۱۲	۰٪/۶۱	۴٪/۱۶	۴۲٪/۲۸
ماضی نقلی	ماضی نقلی مستمر	ماضی نقلی بعید	ماضی التزامی	ماضی استمراری	
۲٪/۱۰	۳٪/۵۴	۰٪/۷۷	۲٪/۱۶	۱٪/۳۸	

جدول ۱۵- صدای دستوری

بررسی افعال			
لازم	متعددی	اسنادی	شبه مجهول
۱۷٪/۱۶	۴۹٪/۹۶	۳۲٪/۶۹	۲٪/۵۰
صدای دستوری			
انعکاسی	میانی	دوجانبه	سببی
۸۵٪/۶۶	۵٪/۵۴	۰	۵٪/۸۱
صدای دستوری			
ایستا	پویا		
۴۷٪/۹۸	۵۲٪/۵۰		

منابع

- بهار، محمدتقی (۱۳۷۳). سبک‌شناسی. ج ۱. چ ۷. تهران: امیرکبیر.
- درپر، مریم (۱۳۹۳). «سبک‌شناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین بافتمند سبک نامه یک غزالی (لایه واژگان و بلاغت)». ادب‌پژوهی. شماره ۲۷. صص ۱۱۵-۱۳۶.
- ساوچی، سلمان (۱۳۸۲). دیوان اشعار. تصحیح عباسعلی وفایی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: قصه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۲). سبک‌شناسی شعر. چ ۹. تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ابیات در ایران. چ ۶. تهران: فردوس.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی. چ ۲. تهران: سوره مهر.
- _____ (۱۳۹۰). از زبان‌شناسی به ادبیات. چ ۳. تهران: سوره مهر.
- طالبیان، یحیی (۱۳۷۸). صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی عماد کرمانی.
- عباسی، پریا (۱۳۹۳). نقد و بررسی سبک‌شناسانه اشعار میمنت میرصادقی. به راهنمایی مریم حسینی. دانشگاه الزهراء.
- فتحی، محمود (۱۳۸۸). «سبک‌شناسی ادبی سرشت سخن ادبی، برجستگی و شخصی سازی زبان». فصلنامه زبان و ادب پارسی. شماره ۴۱. صص ۲۴-۴۰.
- _____ (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴). دستور مفصل امروز؛ بر پایه زبان‌شناسی جدید. چ ۲. تهران: سخن.
- مدرسی فاطمه (۱۳۸۵). از واج تا جمله. تهران: چاپار.
- مقیاسی، حسن؛ سمیرا فراهانی (۱۳۹۳). «سبک‌شناسی خطبه ۲۷ نهج البلاغه». فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه. شماره ۷. صص ۴۰-۶۲.
- مهاجر، مهرا: محمد نبوی (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر ره یافتی نقش‌گر. تهران: مرکز.
- وحیدیان، کامیار (۱۳۸۷). دستور زبان (۱). تهران: سمت.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: هرمس.